

درآمدی بر گونه‌شناسی و تعریف تعالی منابع انسانی در برخی از مکتب‌های بشری

محمد ازگلی*

تاریخ دریافت: ۹۱/۰۴/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۰/۰۵

چکیده

از والاترین اهداف مدیریت منابع و سرمایه‌های انسانی در یک سازمان، تعالی انسان‌هایی است که در آن سازمان زندگی می‌کنند. بنابراین شناخت دقیق این مفهوم، موضوعیت دارد. به‌راستی تعالی چیست؟ موضوع این مقاله، تبیین این پرسش و تلاش برای کشف پاسخی از این میان است. بر این مبنا ابتدا واژه‌شناسی لغوی و سپس مفهوم‌شناسی اصطلاحی تعالی، دنبال می‌شود. فرایند و روش این مطالعه‌ی مفهومی، شامل: تعمق در موضوع تعالی، منبع تعالی، ضرورت تعالی، ابعاد تعالی و روش‌های توسعه‌ی تعالی است تا سرانجام به تعریف مستفاد تعالی دست یابد. تعالی، موقعیتی است پویا که عوامل موجود در آن به‌شکل خوب، استثنایی و مطلق وجود دارد و در یک انسان تعالی‌طلب که خود را در فرایند رشد و تعالی قرار داده است، به‌تدریج شکل می‌گیرد، نهادینه می‌شود و ظهور می‌کند. در این صورت، آن انسان، به‌عنوان اسوه و الگوی تعالی انسان‌های دیگر تجلی پیدا می‌کند. چنین انسان‌هایی در جامعه، به‌عنوان رهبران متعالی، در سازمان‌های عمومی به‌عنوان مدیران متعالی و در سازمان‌های نظامی به‌عنوان «فرماندهان متعالی» ظاهر می‌شوند و پرچم تحول دیگر انسان‌ها را به‌سوی آن موقعیت استثنایی و مطلق که «تعالی» نام دارد به پیش می‌رانند و افراد و پیروان را برای تعالی فرا می‌خوانند. در ادامه مقاله ابعاد تعالی تحلیل و تبیین شده است.

کلیدواژه‌ها: تعالی؛ مفهوم‌شناسی تعالی؛ گونه‌شناسی تعالی؛ ادبیات تعالی، یونان باستان.

مقدمه

یک علم بر پایه‌ی تعاریف مفاهیم اساسی آن علم تعریف می‌شود و تعریف یک مفهوم، کار علمی بسیار دشواری است و به همین روی است که علم تعریف شناسی، دانشی پیچیده به‌شمار می‌آید. دانش مدیریت و رهبری، از جمله علوم فرارشته‌ای است که خود خوشه‌چین میوه‌های دیگر علوم است. یکی از مفاهیمی که در ادبیات مدیریت و رهبری بسیار مطرح است، مفهوم تعالی یا سرآمدی است؛ به گونه‌ای که سازمان‌ها و مدیران آن را غایت خویش می‌دانند؛ اما این مفهوم که در ادبیات یونان باستان ریشه دارد، همانند بسیاری از مفاهیم در پارادایم نوگرایی^۱ دگرگون شد و مفهومی مادی یافت که سرآمدی را در قالب سودیابی و لذت‌جویی محدود کرده بود. در دوران نوین پسا نوگرایی، بشر شاهد تحول معنایی و معنوی در همه‌ی عرصه‌ها از جمله عرصه‌ی مفاهیم است. در دهه‌ی اخیر، ادبیات مدیریت و رهبری نیز از این تحول معنایی تأثیرات مشهودی پذیرفته است و به دنبال کارکردهای معنوی مفهوم تعالی و سرآمدی برآمده است. البته از آنجا که دانش مدیریت، فرهنگ بنیاد است (گریزری^۲، ۲۰۰۲)، بنا به تعبیر بزرگ فیلسوف انقلاب اسلامی آیت الله شهید مرتضی مطهری رضوان الله تعالی علیه، (۱۳۴۸) «ما تا مکتب‌های مختلف را طرح نکنیم و نقد و صراف‌ی نکنیم نمی‌توانیم طرح و پیشنهاد اسلام را به‌طور عمیق بشناسیم». بنابراین، در این مقاله به دنبال شناخت مفهوم تعالی و ریشه‌های آن در برخی از ادبیات و مکتب‌های بشری هستیم، امید که در آن عرصه متوقف نشویم.

تعالی مفهومی است که تعریف آن به‌نظر سهل و ممتنع می‌آید. از یک سوی به گونه‌ای است که به محض تصور، می‌توان آن را تصدیق کرد و از سوی دیگر زبان در هنگام تعریف آن کند می‌شود و واژه‌ها قاصر و ناتوان. این مفهوم، آن هنگام که از عرصه‌ی پیچیده‌ی انسانی، فراتر می‌رود و عرصه‌ی سازمان را در می‌نوردد، پیچیدگی آن دوچندان می‌شود و در ساحت مدیریت و رهبری دشوارتر. تا آنجا که بسیاری با تساهل و تسامح از تعریف دقیق آن عبور و تلاش کرده‌اند تا با کمک مصداق‌ها، به توصیف آن پردازند. کاربرد کلمات جایگزین، خود، دلیلی دیگر بر این مدعا است.

1. Modernism
2. Gariseri

۱. واژه‌شناسی و مفهوم لغوی تعالی

تعالی در لغت به معنای شرایط متعالی شدن. برتری: زمینه‌ای که فرد در آن عالی است؛ متعالی؛ کیفیتی که به‌طور استثنایی در نوع خود خوب است. خوبی؛ جنبه‌ی خاص یا کیفیتی که بیانگر برتر بودن است و نیز به مفهوم زیبایی، تمایز، نخبه، کمال، فضیلت و خوبی می‌باشد (فرهنگ لغات مریام وبستر و سایر فرهنگ‌ها ذیل واژه‌ی Excellence). این واژه از واژه‌ی عالی (Excellent) گرفته شده است که نقش صفت را ایفا می‌کند.

محققان تعالی به‌خصوص در حوزه‌ی تعالی مدیریت، تعالی مدیران و تعالی سازمان، از این واژه‌ها، جابه‌جا استفاده کرده‌اند که نمونه‌های آن بسیار است. جدول (۱) انواعی از معادل‌های این واژه را نشان می‌دهد.

جدول ۱. کلیدواژه‌های گوناگون تعالی در زبان انگلیسی و معادل‌های فارسی آن‌ها

کلیدواژه‌های انگلیسی (لاتین)	مترادف انگلیسی	معادل‌های فارسی	ردیف
Excel vi.vt Excellence. n. Excellency n. Excellent adj Excellently	To be better than, (others); surpass; out do The quality or state of excelling 2- Something in witch a person or ting is excel A title of honor for certain high officials Of the highest quality; exceptionally good, superb, excellently	۱. بی‌نظیر بودن، ممتاز بودن، سرآمد همه بودن، دست همه را از پشت بستن. ۲. پیشی گرفتن از، بهتر بودن از، گوی سبقت‌ربودن از، سبقت گرفتن از ۱. ممتاز بودن، برتری، تفوق، ۲- امتیاز مزیت، حسن ۱. جناب آقای، سرکار خانم، آن جناب، عالی جناب ۲. جناب عالی، حضرت عالی، عالی، فوق‌العاده، درجه‌ی یک، ۳. عالی، عالی است. عالی، بسیار خوب	۱
Transcend v. Transcendence n. Transcendent adj Transcendentalism transcendentalist	To exist above and independent of 2. To rise above; surpass, exceed. 1- Of or pertaining transcendentalism, 2- Rising above common thought or idea; mystical The belief or doctrine that knowledge of reality is derived from intuitive sources rather than objective experience	فراسوی چیزی رفتن یا بودن ۱. تعالی، استعلا ۲. فراوندگی، فراگیری ۱. تعالی ۲. فراونده، فراگیر ۳. فوق طبیعی، ۴. غیر تجربی، غیرمادی، ایده‌آلیستی ۵. اشراقی، شهودی فلسفه برین، فلسفه متعال معتقد به فلسفه متعالی، پیرو فلسفه برین	۲

(ادامه) جدول ۱. کلیدواژه‌های گوناگون تعالی در زبان انگلیسی و معادل‌های فارسی آن‌ها

کلیدواژه‌های انگلیسی (لاتین)	هم‌معنی انگلیسی	معادل‌های فارسی	ت.ق.
Ascention n. , v. The ascention Ascention Day Ascent v. , n.	To move upward; rise, 2- climb (a slope) The state of being dominate Including or moving upward, rising; 2- Dominate, superior, 3- the state of being dominate in power The act or process of ascending, 2- The ascention. The asant or Christ in heaven, celebrate on the 40 th day after easte 1- The act or ascending, 2- An upward slope	۱. بالا رفتن، صعود ۲. عروج، معراج عروج مسیح روز عروج مسیح ۱. بالا رفتن، صعود، ۲. ترقی، پیشرفت ۳. سربالایی، راه سربالا	۳
rise	1- To assume standing position, 2- To get out of bed, 3- To move from a lower to a higher position, 5- To appear above , 6- To extend upward to increase in amount, value, etc, 7- To originate, 8- To puff up, 9- To increase in intensity, force or pitch, 10- To meat a demond or ohnlmge, 11- To return to life, 12- To rebel	۱. طلوع کردن، برآمدن ۲. بلند شدن و بالا آمدن، بالا رفتن، سربالا رفتن، سرچشمه گرفتن، پدیدار شدن، ترقی کردن، قیام کردن، شورش کردن، تند شدن و...	۴
Develop vt,vi	1- expand or realise the potentialities of 2- elaborate gradually to a fuller, greater and better state 3- enlarge 4- disclose gradually 5- bring Into being, make active, generate 6- active 7- content 8- T grow; expand 9- acquire	۱. رشد کردن ۲. توسعه یافتن، گسترش یافتن ۳. توسعه دادن، گسترش دادن ۴. بسط دادن ۵. پروردن، پرورداندن، پرورش دادن ۶. تبدیل شدن ۷. تحول پیدا کردن ۸. آباد کردن، ساختمان‌سازی کردن ۹- ظاهر کردن (فیلم) ۱۰. دچار شدن، گرفتن (بیماری) ۱۱. روئیدن ۱۲. شکل گرفتن، به وجود آمدن ۱۳. به‌وجود آوردن، ایجاد، تولید ۱۴. ظاهر شدن، آشکار شدن ۱۵. به‌دست آوردن، کسب کردن، پیدا کردن ۱۶. بهتر کردن، بهبود بخشیدن	۵
Developed Developer Developing Development	1- The act of developing 2- The state of being developed 3- a protect or the suit of developing 4- exent	۱. پیشرفت، ترقی ۲. رشد یافته ۳. توسعه یافته در حال توسعه، رو به توسعه ۱. رشد ۲. عمران، آبادی ۳. ساختمان‌سازی، توسعه، گسترش ۵. (فیلم) ظهور ۶. تحول ۷. اتفاق، رویداد ۸. پیشرفت، دستاورد ۹. منطقه نوساز، شهرک	

(ادامه) جدول ۱. کلیدواژه‌های گوناگون تعالی در زبان انگلیسی و معادل‌های فارسی آن‌ها

کلیدواژه‌های انگلیسی (لاتین)	هم معنی انگلیسی	معادل‌های فارسی	ردیف
Transform Transformation Transformer	1- To change mattedly 2- To change the feature, function, condition; To convert 3- To unbury, the transformation	۱. دگرگون کردن، به کلی تغییر دادن، شکل (چیزی را) عوض کردن ۲. تبدیل کردن ۱. دگرگونی، تغییر، تغییر شکل ۲. تبدیل ۳. گشتار (زبان‌شناسی) ۴. مبدل، ترانسفورماتور	۶
Grow Grower Growing Grown Growth	1- To Increase naturally 2- To expand, to gain 3- To be capable of growth 4- To reach maturity 5- Originate 6- Become 7- To come into existence 8- Cultivate	۱. رشد کردن ۲. بزرگ شدن ۳. نمو کردن ۴. بالغ شدن ۵. نو کشیدن ۶. درآمدن روئیدن ۷. افزایش یافتن، بیشتر شدن ۸. توسعه پیدا کردن، گسترش یافتن ۹. بلند شدن ۱۰. شدن، به تدریج شدن ۱۱. پا گرفتن، به وجود آمدن ۱۲. ناشی شدن از، سرچشمه گرفتن از ۱۳. رفته رفته عادت کردن به ۱۴. پرورش دادن، کاشتن، رویا شدن پرورش دهنده (گل و گیاه) ۲. گیاه ۱. در حال رشد ۲. روز افزون، فزاینده، در حال افزایش ۳. کشت ۴. رویش ۱. بالغ ۲. عاقل و بالغ ۱. رشد ۲. رشد اقتصادی ۳. نمو، رویش ۴. افزایش ۵. ترقی، پیشرفت ۶. گسترش، رواج ۷. پدیده ۸. نمو ۹. کشت و کاشت ۱۰. رو به رشد، رو به ترقی	۷

منبع: فرهنگ‌های لغات گوناگون انگلیسی - انگلیسی و انگلیسی - فارسی

هنگامی که با این کلیدواژه‌ها در ترکیب با کلیدواژه‌های مدیریت، رهبری و فرماندهی به جست‌وجوی منابع تعالی در شبکه‌های جهانی می‌پردازیم، شاهد وجود صدها منبع می‌شویم که هر یک از منظر خود به موضوع پرداخته است و تبیین و نقد آن‌ها خود موضوع مقاله‌ی دیگری است.

مفهوم اصطلاحی تعالی

به زعم برخی صاحب‌نظران: مفهوم تعالی به این بستگی دارد که چه کسی آن را تعریف می‌کند. به رغم این که عنوان تعالی به ظاهر عینی به نظر می‌رسد، بیش از یک معنا دارد و جا را برای انواع تفسیر و برداشت از آن، باز می‌گذارد؛ به گونه‌ای که افراد تحت تأثیر آگاهی‌های ناشی از محیط‌های فرهنگی خویش، تفسیر خاص خود را ارایه می‌دهند. اگر تفسیر واژه‌ی تعالی، ذهنی باشد، امکان طراحی ابزارهای سنجش عملکرد که به طور کلی و در سطح جهانی و در همه‌جا اثربخش و کاربردی باشد، وجود ندارد. به بیان دیگر، هنگامی که مفهومی چون تعالی، انتزاعی تعریف شود، فضا برای استنباط‌های مختلف از این واژه، باز می‌شود و چنین موقعیتی موجب سردرگمی بین فرهنگی، فرسایش و سوءمدیریت می‌شود. آن چه که در روزگار ما- و در میان عموم مردم- از مفهوم تعالی استنباط می‌شود، تلقی‌ای است که آنان از «عالی بودن» در مقایسه‌ی با واژه‌های «ضعیف (بد)» و «خوب»، تصور می‌کنند. انسان‌ها این سه واژه را در مقوله‌های اصلی عملکرد آموخته‌اند. از دوران کودکی چه در امتحانات، ورزش، یا کار، عملکردها به این سه دسته تقسیم‌بندی شده است. البته همگان، آن طور که مایلند، در هیچ کاری به سطح عالی نمی‌رسند؛ زیرا رسیدن به این مرحله، مستلزم تلاش بسیار، صبروری و استقامت، تحمل و بردباری، آموزش، علاقه، توجه و کار جدی است. آن چه که درباره‌ی تعالی جالب است، این است که اغلب کار عالی را با انواع رفتارها، جوایز، ارتقا و دیگر گونه‌های پاداش، تشویق می‌کنند. هر انسانی در صورتی که ذهن و تلاش خود را (اندیشه و عمل خود را) متمرکز کند، در یک کار خاص، شایستگی و قابلیت انجام آن کار را به بهترین شکل ممکن خواهد داشت. در جامعه‌هایی که فرصت‌های بی‌شمار برای خوب شدن وجود دارد، انسان نباید فرصت عالی شدن را در یک زمینه‌ی خاص از دست بدهد. شناخت جامع مفهوم تعالی به افراد، سازمان‌ها و جامعه کمک می‌کند تا زمینه‌ی دانشی و تا حدی نگرشی امکان بهره‌برداری از این فرصت‌ها برای آنان فراهم شود. برای تعالی، تعریف‌های فراوانی ارایه شده است، یکی از تعریف‌ها، تعریف ذیل است:

«تعالی، وضعیت یا کیفیتی برای صعود و بالا رفتن است که به طور خاص در کسب و کار و سازمان به کار می‌رود. هنگامی که قرار است به ارزش مهمی دست یابیم یا هدفی را دنبال کنیم، آن را با استفاده از واژه‌ی تعالی، بیان می‌کنیم» (ویکی پدیا، ۲۰۱۰، تعالی). البته، این تعریف از تعالی، یک تعریف به نسبت ساده است که با تکیه بر صرف عقل ابزاری ارایه شده است.

۱. ریشه‌های تاریخی مفهوم تعالی در مغرب زمین

اساس و ریشه‌ی اصلی این واژه در غرب، از زبان یونان سیر تطور خود را طی کرده است. در یونان قدیم، واژه آرِت^۱ برای توصیف آمادگی بیشینه برای عمل (عمل بهینه) به کار می‌رفت؛ اثربخشی انسان و مهارت در خوبی، تعالی (ارت) نامیده می‌شد. در زبان هلندی، با واژه سنوتا^۲ به معنای تقوی و فضیلت یا شجاعت مربوط است. مسأله‌ی آرِت یکی از مسایل کلیدی اخلاقی دوران باستان در حوزه تعلیم و تربیت بود (پاتا، پان پاچ، زیبگنیو، ۲۰۰۹).

مفهوم تعالی (آرِت) به عنوان مبنای هستی‌شناسی افلاطون مورد توجه بوده است (کرامر^۳). به لحاظ واژه‌شناسی، آرِت، اسم بدون فاعل است که در واژه‌ای به معنای صفت عالی «خوب»^۴ یعنی خوب‌ترین، ریشه دارد و اگر بخواهیم آن را به‌طور دقیق ترجمه کنیم، واژه‌ی تعالی (آرِت) یعنی کیفیت بهترین بودن^۵، کاملاً نسبت به اصل واژه، وفادار است. عصاره‌ی مطالعات فراوان درباره‌ی تعریف‌شناسی تعالی در ادبیات یونان باستان پاتا، رایان پاچ و زیبگنیو (۲۰۰۰) در قالب تحقیقی ارائه کرده‌اند. در این مقاله، همه‌ی آن یافته‌ها با دقت فراوان توسط نویسنده استخراج و ارائه می‌شود. بنابراین، مطالعه‌ی این جدول‌ها و تعمق در آن‌ها، برای شناخت مفهوم تعالی بسیار لازم است

جدول (۲).

1. Arete
2. Cenota (virtue)
3. Kraemer
4. Agathos (good)
5. Excellence: the quality of being the best
5. Panpuch Zbigniew

جدول ۲. انواع تعالی و شاخص‌های هریک بنا بر ادبیات یونان باستان (ازگلی، ۱۳۹۰)

نوع تعالی	شاخص‌های تعریف تعالی
۱	- ویژگی اشراف و نخبگان - مردانی جنگجو بودن، دارای توانایی و مهارت جنگ‌آوری و کشتی - دارای بهترین سلاح با قابلیت دفاع مؤثر از گروه - ثروتمند - قوی - شجاعت و فضیلت‌های قهرمانی داشتن - دارای مولد نیکو - مهارت جنگجویی و نظامی‌گری - عدم تأکید بر ارزش‌های اخلاقی و معنوی - روح رقابت و افتخار متضمن احساس وظیفه و مسؤولیت در برابر ایده‌ی تعالی - دور اندیشی - مکر و حيله - ویژگی‌های مزیتی و ممتاز در جنگ داشتن - میل به پیروزی و کسب تاج تعالی - عصا‌ری قهرمان‌گری
۲	- روش زندگی و طرز تفکر بهترین افراد در زندگی روزمره - آگاهی از موقعیت ممتاز و استثنایی خویش - دارای منش خالص و با فرهنگ - دانا به چگونگی رفتار در هر موقعیت خاص - بسیار مهمان‌نواز - توانایی پاسخ‌گویی به موقعیت‌های غیرمنتظره با آرامش و خون‌سردی و خویشتن‌داری - عادی در زندگی طبیعی - برخورد کاملاً مؤدبانه و مهربانانه با بدرفتاران نسبت به خودشان (آنان). - اعمال صبر و شکیبایی و تذکر قبل از تنبیه صرف - توجه به تعالی زنان به عنوان بخشی از آداب و رسوم و فرهنگ - ارزیابی تعالی مردان بر مبنای فضیلت‌های عقلانی و اخلاقی - ارزیابی تعالی زنان بر مبنای خلوص رفتار و مدیریت اقتصادی آینده‌نگر و زیبایی - هم‌خوانی تعالی زنان با فرهنگ ارزشمندی زنان به عنوان خانم‌های خانه، پاسداران آداب و رسوم خوب و معلمان سنت و فرهنگ
۳	- کار را تنها ابزار کامل ثروت آفرین دانستن - رقابت تعریف‌شده و معین در کار به عنوان تنها راه کسب تعالی - رفتار هم‌آهنگ با نظم حاکم بر جهان منبعث از اراده‌ی خوبی‌ها (نیت خیر) - پیوند کار در زمان مناسب و صحیح با آهنگ طبیعت - عار نبودن کار کردن - شرم‌آور بودن بی‌کاری، بی‌سوادی، عاطل بودن و پیروی از راه‌های نامشروع و فریب‌کارانه برای ثروتمند شدن - تعالی کارگران و مردم عادی بر کار مبتنی بودن - تعالی قهرمانان بر ثروت، فضایل مردانه، اخلاق اشرافی‌گری مبتنی بودن

(ادامه) جدول ۲. انواع تعالی و شاخص‌های هر یک

ردیف	انواع تعالی	شاخص‌های تعریف تعالی
۴	تعالی اجتماعی	• انگیزه‌ی عشق به سرزمین و وطن را داشتن به جای انگیزه‌ی عشق قهرمانی • دولت شهر، مبنای سنجش تعالی بودن • فدا کردن سلامت، دارایی و زندگی فردی برای وطن • اخلاق حاکمیت به جای اخلاق اشرافی‌گری • توجه به مفهوم عدالت و ایده‌آل دولت و حاکمیت • ظهور ویژگی‌های شخصیتی نوین شامل: ○ پرهیز از خلاف و جرم ○ پایداری در مرزهای نظم اجتماعی یعنی عدالت • تلقی از عدالت به عنوان یک تعالی نوین عمومی • آداب و رسوم به مثابه معیار عینی خوب یا بد بودن هر چیز • ارتباط وثیق عدالت با اطاعت از قانون و حاکمیت • توانایی کار با دیگران در یک نظام دولت شهر به طور هم‌آهنگ و منطقی
۵	تعالی فردی	• تأکید بر تجربه‌ی فردی در مواجهه با ایده‌آل‌های فضیلت شهروندی • ستایش تحمل و بردباری و تسلط بر نفس و خویش • تأکید بر عدم توجه بیش از اندازه به احساسات رنج و شادی • تأکید بر پذیرش آهنگ طبیعت به عنوان فراهم کننده نظم، ساختار و محدودیت‌ها • تأکید بر فرهنگ توجه به صدای (جامعه)، مبتنی بر رسمیت شناختن قوانین تخطی‌ناپذیر مقدس و جاودانه‌ی نشأت گرفته از طبیعت را برای اداره‌ی زندگی انسان ارزش دانستن
۶	تعالی مدنی / شهروندی	• باور به تأثیر متقابل رفتارهای زندگی مدنی و فردی بر یکدیگر • اعتقاد به تأثیر رفتارهای فردی بر جامعه • باور به نابودی کل جامعه بر اثر رفتارهای بد افراد • اعتقاد به تأثیر رفتارهای بد بر عاملان آن • باور به تحمیلی نبودن ایمان • باور به عدم امکان اجبار شهروندان به رفتار مسؤولانه
۷	تعالی انسان‌های شریف و اصیل (اشراف)	• آسان به دست نیامدن و آسان از دست رفتن تعالی در مقایسه با ثروت • ترجیح پارسایی و تقوا همراه با ثروت اندک بر ثروت فراوان نامشروع • ظرفیت عدالت برای پذیرش همه‌ی فضایل • عدم منافات عادل بودن و اشرافی بودن • شرافت واقعی؛ یعنی، شرافت و عظمت روح داشتن • شرافت واقعی را جدای از ثروت ارزیابی کردن

(ادامه) جدول ۲. انواع تعالی و شاخص‌های هر یک

ردیف	انواع تعالی	شاخص
۸	تعالی بدنی	- خدا را کامل مطلق و تا ابد متعالی دانستن - تعالی واقعی (روحانی، جسمانی) را مختص انسان کامل دانستن - دشوار بودن راه پیش روی به سوی تعالی - ناممکن بودن دست‌یابی به کمال به دلیل بدیاری‌های پرهیزناپذیر - بهره‌مندی انسان از لطف و رحمت الهی و نفوذ خداوند در سختی‌ها و ناملایمات در مسیر تعالی - پرهیز از بدی‌ها و پلیدی‌ها را شرط اصلی رسیدن به تعالی دانستن - کسب رضایت خدا با پرهیز از بدی‌ها - ریشه‌ی الهی داشتن اعمال و رفتار با عظمت و عالی - امکان خداگونه‌شدن انسان حتی برای لحظاتی چند
۹	تعالی اخلاقی	- انسان ایده‌آل، مدل؛ یعنی، انسان کامل اخلاقی - درستی و صحت، تناسب و عنصر عقلانی جنبه‌های اصلی انسان کامل و معیار سنجش وی - منشأ همه‌ی پلیدی‌ها و بدی‌ها را فقدان درستی و صحت، تناسب و عنصر عقلانی در انسان دانستن - مشخصه‌ی بارز انسان کامل. تسلط بر خویشتن به طور کامل در تمام امور خویش - نظم در امور؛ یعنی، عدالت ذاتی درون خود اشیاء منیع توانایی‌های انسان کامل (تسلط بر خویشتن وی) - قابل نشان داده شدن اعتدال در اعمال انسان، همانند اعتدال در شعر با صدا آهنگ - رعایت اعتدال در زندگی را موجب خوب شدن زندگی خود فرد و جامعه و طبیعت دانستن - انسان کامل را، مظهر وحدت اصلی میان خوبی و زیبایی و یا اتحاد خوب زیبا دانستن
۱۰	تعالی روحانی	- تعالی انسان، شامل: توانایی‌های بدن و روح - کمال بدن، شامل: سلامتی، قدرت و زیبایی - کمال روح، شامل: پارسایی و دین‌داری، بردباری و شکیبایی و خوشتنداری و اعتدال - عدالت، عنصر عمومی و کلی (در تعالی، نشان‌دهنده‌ی هارمونی و هم‌آهنگی جهان هستی - انسان فرهنگی (فرهیخته)، انسان در تمام ابعاد سالم
۱۱	تعالی دموکراتیک	- اداره‌ی دولت با دموکراسی مستقیم - فرصت اداره‌ی یک سازمان برای هر شهروند - نیاز به مهارت برای موفقیت در این حاکمیت مانند تعالی سیاسی سنتی و معانی و بیان - قابلیت تعلیم تعالی به عنوان مبانی عقلانیت - نیاز به دانش برای ایفای نقش فعال در زندگی سیاسی - تعالی دموکراتیک، مستلزم پذیرش شکاکیت و نسبی‌گرایی - بی‌توجهی به مسأله‌ی نظریه و حقیقت - بی‌اعتنا به خوب و درست بودن امور - داشتن نگرش‌های انتقادی، بی‌اعتقادی و زیر سؤال بردن نظم اجتماعی برای منافع آنی - مبنا بودن اراده‌ی اکثریت به جای قدرت الهی در قانون‌گذاری - به دنبال شناخت بهترین راه حل از سامانه‌ی فرایند حاکمیت مناسب آن - قابل به امکان یادگیری فنون و روش‌های کامل و جهت‌یابی

(۱۴امه) جدول ۲. انواع تعالی و شاخص‌های هر یک

شاخص	انواع تعالی	ردیف
- دانش و علم را ذاتی نفس انسان دانستن - عملیات روح؛ یعنی، تعالی حقیقی - الهی بودن روح در وجود انسان - قابلیت شنیدن صدای فرشته‌ی وحی توسط روح - صیانت از روح خویشتن، یک رسالت الهی - امکان کشف حقیقت در روح (خود) - قدرت معنابخشی دانش خیر و خوبی، به هر خوبی‌های دیگر - اصالت تفوق و برتری روح بر طبیعت جسمانی - شکل‌گیری زندگی عقلانی با مفهوم جدیدی از آزادی درون؛ یعنی، امکان‌پذیری تسلط بر امیال و خواهش‌های نفسانی و عکس‌العمل‌ها - اشتراک مفهومی تعالی و دانش و علم - لزوم تحلیل دانش با خود دانش و در رابطه با مسایل روحی - امکان تقلیل پرسش و مسأله‌ی رفتار و عمل نیک، به مسأله‌ی دانش خوبی‌ها و نیکی‌ها - وابستگی زندگی به عنوان یک کل، به شناخت و پی‌جویی خوبی‌ها به‌عنوان هدف و نهایت همه‌ی اعمال عقلانی - ساختن شهروندانی توانا برای یک زندگی خوب در دولت‌شهر و بازآفرینی حیات دولت به‌عنوان هدف نهایی تعلیم و تربیت - نظم درونی خود شهروندان را موجب نظم در دولت شهر دانستن	تعالی اخلاقی، معنوی، وجدان (از منظر سقراط)	۱۲

۲. تبیین مفهوم و ابعاد گونه‌شناسی تعالی در ادبیات یونان

۲-۱. مفهوم‌شناسی

پیش از این به برخی از ابعاد ریشه‌های تاریخی واژه‌ی تعالی پی بردیم. واژه‌ی تعالی که در زبان یونانی «آریستیا»^۱ گفته می‌شود، در واژه‌ی آریستوس^۲ ریشه دارد که شکل صفت عالی آریون^۳ به معنای بهترین، شجاع‌ترین و نیرومندترین است. مطالعات نشان می‌دهد که آریستوس به‌عنوان (AR)، (در یک مفهوم توحیدی و الهی، با «جریان نور»، «جریان خوبی» مساوی است. این جریان، در یک وضعیت پویا موجب خلق ثبات (ایستون)^۴ می‌شود (سیمایوفوروش^۵، ۲۰۰۲).

1. Aristeia
2. Aristos
3. Areion
4. Iston
5. Simaioforos

بنابراین، تعالی، موقعیتی است که عوامل موجود در آن موقعیت، به شکل مطلق و خوب استثنایی وجود دارند. تعالی، موقعیتی پویاست که در آن افراد بر مبنای یک چارچوب ذهنی متشکل از ارزش‌های اساسی، ایده‌ها و دانش می‌اندیشند، حس می‌کنند و رفتار می‌نمایند. تعالی در یونان باستان، به معنای تمایز در نبرد یا پاکی بود. بر اساس نوشته‌های هومر، انسان متعالی دارای اصل و ریشه‌ای اصیل، بهترین، شجاع‌ترین و نیرومندترین بوده است. آن گونه که در مکالمات افلاطونی آمده است، برابر نظر سقراط، تعالی، ترکیبی از فضیلت‌های اخلاقی، عدالت، زیبایی و خیر و احسان است (سانتاس^۱، ۱۹۹۷). بنابراین، قلب تعالی، خوبی، خیر و نیکویی است.

از منظر ارسطو، نیکی در حد اعلا و خوب بودن متعالی، عین کامیابی است، به تعبیر دیگر، کامیابی عبارت از نیکی و خوب بودن و خیر در حد اعلا می‌باشد. تعالی بر تقوی و پاکدامنی عقلانی و اخلاقی مبتنی است. «تقوی و پاکی‌های عقلانی»، زاییده‌ی تعلیم و آموزش و قابل پرورش است و این مستلزم زمان و تجربه می‌باشد؛ در حالی که پاکی‌ها و «تقوای اخلاقی»، یک موضوع عادت‌ی است (سانتاس، ۱۹۹۷ به نقل از ارسطو، اخلاقیات نیکومایی، ب ۱). بنابر اندیشه‌ی ارسطو، مردم به این دلیل که متعالی هستند، درست کار نمی‌شوند؛ بلکه چون درست‌کاری پیشه می‌کنند، متعالی می‌شوند. بنابراین، از دو طریق «آموزش» و «ایجاد عادت» می‌توان به تعالی دست یافت و جوانان یونان قدیم برای رسیدن به چنین چیزی سخت تلاش می‌کردند.

افلاطون، «نیکی و خیر» تنها عنصر تضمین‌کننده‌ی کامیابی فرد و جامعه معرفی می‌کند که فقط با ترکیب هم‌آهنگ دانش، قدرت و خواست و میل، حاصل می‌شود (سانتاس، ۱۹۹۷ به نقل از پولیتیا، ۵۰۵، الف - ۵۱۱ - ئی). موضع و جایگاه تعالی، موضع عدالت است. در این موضع است که فیلسوفان حکومت می‌کنند و سخت تلاش می‌نمایند تا دانش خود را به همگان منتقل نمایند. در واقع عادت (یعنی تثبیت یک کار یا فعالیت با تکرار فراوان) به خیر و نیکی، کلید ورود به دانش نظام عالم وجود و حقیقت است.

افلاطون، در یک توصیف شگفت‌آور، خیر و نیکی را به خورشید تشبیه می‌کند که در یک نظام هستی‌نامرئی است که درک می‌شود، حکمرانی و سلطنت می‌کند. همانند خورشید، که به گونه‌ای در نظام هستی پادشاهی می‌کند؛ اما نمی‌توان به آن خیره شد یا هنگامی که در پشت

1. Santas

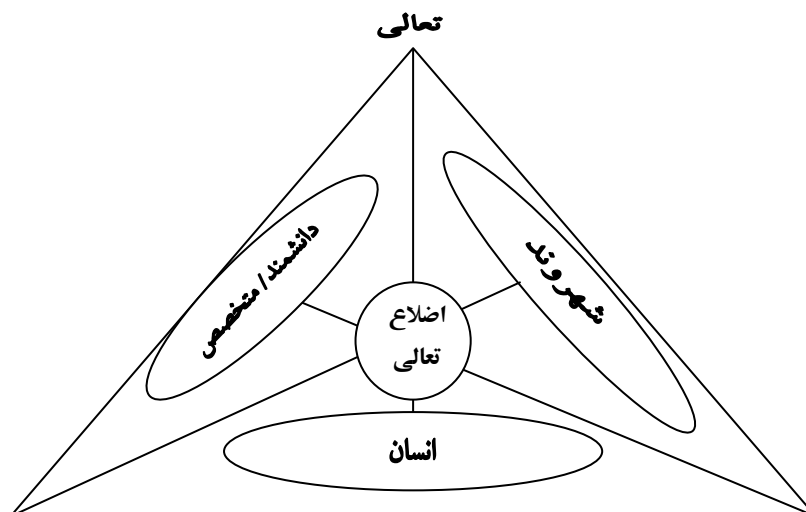
ابرها آن را نمی‌توان دید، نادیدنی است؛ اما آن‌را می‌توان درک کرد، دانش و حکمت آن علم؛ یعنی، خوبی و خیر را ارایه می‌دهد که نسبت به آن، ما به سمت منتها درجه‌ی شناخت و فهم به پیش می‌رویم. این هوش است که می‌تواند دانش ایده‌ها و بالاترین آن‌ها را که «نیکی و خیر» است، درک کند (سانتاس، ۱۹۹۷ به نقل از کتاب سیاست افلاطون).

از منظر ارسطو، تعالی از خوبی و خیر جدایی‌ناپذیر است و آن‌را با خواصی منحصر به فرد و فعالیت‌هایی خاص می‌توان وصف کرد. این مفهوم، فقط با ارجاع و ربط دادن آن به کیفیت‌های ذاتی و اصلی یک موضوع یا فعالیت، معنا پیدا می‌کند. بنابراین، هیچ تعریف منحصر به فرد برای تعالی وجود ندارد. همان‌طور که برای خیر و خوبی هم نمی‌توان تعریف منحصر به فردی ارایه کرد؛ زیرا فقط یک عمل خاص و منحصر به فرد خوب، وجود ندارد. خوبی و خیر، تنها در ارتباط با مقاصدی که برای آن به کارگیری می‌شود و نقشی که ایفا می‌کند، قابل ارزش‌یابی است. الگوی تعالی، الهام‌بخش بهبود و اصلاح خویشتن و جست‌وجوی آرام و انتقال دانش از طریق گفت‌وگو و تجربه بوده است (سانتاس، ۱۹۹۷ به نقل از اخلاقیات نیکومایی ارسطو).

۲-۲. موضوع تعالی

همان‌طور که پیش از این مطرح شد، به نظر می‌رسد که تعالی، دو موضوع و موضع را به‌طور کلی در برمی‌گیرد. فرد و اجتماع، که سازمان‌ها هم بخشی از اجتماع و تشکیل‌دهنده‌ی جامعه‌های بزرگ‌تر از خود هستند و البته اساس تعالی را انسان تشکیل می‌دهد، زیرا تعالی مستلزم کسب غریزی و طبیعی عادت‌ها و اندیشه‌های خیر و نیکی و اکتساب آگاهانه‌ی آن‌هاست که غیر از انسان را شامل نمی‌شود و اگر سازمان‌ها یا مصنوعات محصول سازمان‌ها هم به لحاظ کیفی ارتقا پیدا می‌کنند، باز منشأ آن‌ها، انسان است.

از منظر ارسطو و افلاطون، در مدینه‌ی فاضله و آرمان‌شهری که برای انسان تصویر کرده‌اند، تعالی دارای سه ضلع، شامل: انسان متعالی، شهروند متعالی و دانشمند متعالی است. نمودار (۱)، بیانگر رابطه‌ی این سه ضلع تعالی است:



نمودار ۱. اضلاع تعالی منابع انسانی، لوکاس آنی‌نوس، ۲۰۰۸

ضلع نخست به انسان به‌عنوان انسان، مربوط می‌شود. انسان متعالی دارای ادارک و برداشت دقیقی از نقش خویش در نظام هستی، از رابطه‌ی خویش با نیکی و خیر و خوبی الهی و انسان است. او به محیطی که در آن زندگی می‌کند، احترام می‌گذارد، همیشه عاشق دانش و آن‌چه که او را احاطه کرده‌اند، می‌باشد. او انسانی پاک و عفیف و دارای ایده‌آل‌ها و آرمان‌های بلند است، او زندگی موزون و متوازی دارد.

ضلع دوم، به انسان به‌عنوان شهروند، مربوط است. انسان‌ها برای آن که دارای جامعه‌ای متعالی باشند، خود باید شهروندانی متعالی باشند. شهروند متعالی، نخست انسان متعالی است؛ یعنی، علاوه بر انجام وظایف انسان متعالی، به‌عنوان فرد، به جامعه‌ی خود هم توجه دارد و مراقب آن است. او به‌طور فعال در امور (اجتماعی) مشارکت می‌کند و ایجادکننده‌ی شغل و کار برای مردم و خلّاق است. او از این که وی را چه‌گونه اداره می‌کنند و حاکمیت چه‌گونه بر وی اعمال می‌شود آگاه است و در صورت نیاز و درخواست، می‌داند که جامعه را چه‌گونه اداره نماید.

ضلع سوم تعالی، دانشمند یا متخصص متعالی است. یک شهروند متعالی، بسته به علائق

شخصی خویش می‌تواند دانشمند یا متخصصی متعالی باشد. به طور مثال، یک دانشمند متعالی به کمک حواس و آینده‌پردازی‌های خویش، به دنبال دانش در زمینه‌هایی است که آن‌ها را حقیقی تلقی می‌نماید. او، با تکیه بر مبانی فلسفی، دانش خود را تبیین و آن را به همراه تجربه‌ی خویش به نسل‌های جدیدتر منتقل می‌کند (لوکاس، آنی‌نوس، ۲۰۰۸).

اگر این سه ضلع مثلث نیکی و خیر، در هر یک از انسان‌های یک جامعه وجود داشته باشد، سازمان‌ها و ملت‌ها هم می‌توانند متعالی شوند.

۲-۳. منبع تعالی

منبع تعالی، خیر و نیکی و خوبی است. خیر و خوبی، هدایت‌گری پویا برای تحول پایدار مطابق با نیازهای در حال تغییر انسان‌ها در دوره‌های زمانی متفاوت است. خوبی به‌طور موزون وجود دارد، وجود خیر و خوبی متوازن است. خوبی مستلزم مشارکت افراد است. خیر و خوبی همواره حاضر است، قابل درک است؛ اما ذات آن‌را نمی‌توان درک کرد. خوبی، منبع الهام‌بخشی و امید است (کوپمن، ۲۰۰۸).

۲-۴. ضرورت پرداختن به تعالی

در عصر حاضر، درک خیر و نیکی و تعالی باید به‌عنوان اولویت اول و اساسی هر ملت، سازمان و هر انسانی در سراسر جهان تبدیل شود، زیرا موزون بودن، توازن و هم‌آهنگی، مفهومی انحرافی پیدا کرده است و جای خود را به مفاهیم ساده‌ای داده است، بنابراین، تقوا و پاکی و پرداختن به آرمان‌ها و ایده‌آل‌ها و طرح‌های آینده به‌خصوص برای نسل‌های جوان، یک ضرورت است. از این منظر، پرداختن به تعالی هم از منظر فلسفی و هم عملی، بسیار چشم‌گیرتر و حساس‌تر می‌شود.

تعالی نه یک سرنوشت، که یک سیر و سفر است. ما از تعالی آن‌گونه سخن می‌گوییم که گویی جایی است که قرار است به‌سوی آن برویم و گویی وقتی به آن‌جا رسیدیم، تمام خواهد شد. باید گفت روزی به آن‌جا خواهیم رسید، اراده‌ی الهی بر این قرار گرفته است که ما به پیش رویم. بنابراین، این‌طور نیست که سطحی باشد که آن را تعالی نامند و ما بتوانیم به آن برسیم. البته

هر روز با انجام و ایفای یک مسئولیت، در جاده‌ی تعالی به سیر خود ادامه خواهیم داد، کافیت که ما مذهبی باشیم و دیگر انسان‌ها را در معنای واقعی تعالی با خود شریک سازیم (کوپمن، ۲۰۰۸). تعالی، مستلزم یادگیری است و یادگیری و آموزش و پرورش هم خود باید تعالی باشد. تعالی در تعلیم و تربیت؛ یعنی، این که هر فرد در سطح خودش یادگیری داشته باشد. بنابراین رساندن آنان به سطح توانایی خودشان، یعنی تعالی. هنگامی که بتوان به فردی کمک کرد تا به توانایی و استعداد بالقوه‌ی خود پی ببرد، برنامه‌ی تعالی را ارایه کرده‌ایم. تعالی؛ یعنی، کمک به دانش‌آموز که یادگیرنده شود نه یادگرفته. طبیعت، نیازمند کمال‌گرایی نیست، ما فقط رشد می‌کنیم. این همان چیزی است که در آموزش و پرورش هم باید باشد، تعالی یک سیر و سفر است. ما باید انصاف داشته و دیگر آحاد جامعه را در معنا تعالی سهیم کنیم (کوپمن، ۲۰۰۸).

۲-۵. تعالی چه نیست؟

در مروجی بر واژه‌شناسی تعالی، روشن شد که تعالی در فرهنگ امروز غرب به معنای با کیفیت، برجسته، چشم‌گیر، استثنایی، عالی، فوق‌العاده و درجه‌ی یک و مانند این‌هاست. این تعریف برای تغییر تیرها و عنوان‌ها خوب است. این که بگوییم چیزی خوب است، به جای آن بگوییم ما آن را انتخاب می‌کنیم، چیزی را عوض نمی‌کند. این فقط بازی با کلمات است که لباس نیاز و هوس خود را به آن‌ها می‌پوشانیم. واقع امر این است که وقتی می‌گوییم به دنبال تعالی هستیم، نمی‌دانیم از چه چیزی صحبت می‌کنیم. غالب تصمیم‌گیری‌ها هم نه با معیارهای علمی که در قالب‌های سیاسی اتخاذ می‌شود. ما همیشه به دنبال تعالی بوده‌ایم و همه هم این راه می‌دانند؛ اما در فرهنگ شفاهی مردم و کنایه‌های آنان، گفته می‌شود که چنین نیستیم. واقعیت این است که صاحب‌نظران و فرهیختگان جامعه، در این موضوع با عموم مردم مشترکند؛ یعنی، وقتی از تعالی سخن می‌گوییم، نمی‌دانیم که منظورمان چیست.

یکی از صاحب‌نظران برای ترسیم چه نیستی تعالی، ۷ پرسش اساسی مطرح کرده است. آن پرسش‌ها عبارتند از:

۱. آیا با حيله و تقلب و فريب می‌توان به تعالی دست یافت؟
۲. آیا در قلب بحران اعتماد، می‌توان تعالی را به وجود آورد و تثبیت کرد؟

۳. آیا انتظارات پایین، راهی به سوی تعالی است؟
۴. آیا با منابع ناشایست و نامناسب می‌توان تعالی را تولید کرد؟
۵. آیا در مکان نامناسب، با فرد نامناسب، در زمان نامناسب، با ایده‌ی نامناسب، با سازمان نامناسب، تعالی ظهور پیدا می‌کند؟
۶. آیا در یک وضعیت غیرکاری و بدون تعلق کاری داشتن و توجه به وظیفه، می‌توان تعالی را به وجود آورد و تثبیت کرد؟
۷. آیا هنگامی که افراد، ایده‌ها یا سازمان در حالی رکود و ثبات باشند، می‌توان ادعای تعالی داشت؟
- بدیهی است پاسخ تمامی این پرسش‌ها «نه» و منفی است. درواقع، بی‌کفایتی در هر یک از این حوزه‌ها، می‌تواند دنبال کردن تعالی را تضعیف کند و به تحلیل ببرد. چه بسا به این دلایل باشد که در روزگار ما تعالی تا این حد نادر و کمیاب است (کرنسون و ادونس لر، ۲۰۰۷).

۲-۶. ابعاد و جنبه‌های تعالی

- به نظر می‌رسد تعالی واقعی چیزی بیش از یک رابطه‌ی علت و معلولی امور باشد. برخی بررسی‌ها نشان می‌دهد که تعالی موقعیتی است که در پرتو هم‌گرایی هفت عامل پشتیبان غیرقابل جایگزین، به دست می‌آید. به رغم این که واژه تعالی را به طور یکسان درباره‌ی فرد، یک ایده یا یک سازمان می‌توان استفاده کرد، باید به دنبال تحصیل تعالی بود.
۱. نخستین جنبه‌ی تعالی، موثق بودن، معتبر بودن، قابل اعتماد بودن و صحیح و اصولی بودن^۱ تعالی است. یک فرد، یک ایده یا یک سازمان، برای آن که متعالی باشد، باید، به گونه‌ای جدایی‌ناپذیر با ویژگی طبیعی بودن، خوبی، حقیقت و زیبایی^۲ آمیخته و ترکیب شده باشد.
۲. جنبه‌ی دوم تعالی، اعتماد، قابل قبول و معروف بودن و نیک نامی^۳ آن است. در یک فرد، ایده یا سازمان متعالی، اعتماد^۴ و قابل باور بودن^۵، موج می‌زند.

1. Authenticity
2. Jenviness
3. Credibility
4. Confidence
5. Believability

۳. جنبه‌ی سوم تعالی، انتظار و امیدواری^۱ است. امید و انتظار پایین، کسی را بر نمی‌انگیزاند. تعالی، بالاترین سطح انتظاری را که یک فرد، ایده یا سازمان که قابلیت ارایه‌ی آن را برای خود در یک موعد زمانی خاص دارد، پوشش می‌دهد و در بر می‌گیرد.
۴. شایستگی^۲ چهارمین جنبه‌ی تعالی است. منابع لازم باید آماده باشد، و این فقط به منابع مادی محدود نمی‌شود؛ بلکه افرادی که دانش، مهارت و استعداد‌های لازم را باید دارا باشند، نیز بخشی از این شایستگی به حساب می‌آیند.
۵. متقارن بودن و انطباق^۳؛ یعنی، انجام امور در مکان صحیح، در زمان مناسب توسط فرد مناسب با مهارت صحیح، ایده‌ی صحیح و سازمان صحیح، جنبه‌ی پنجم تعالی است.
۶. تعالی، کارکردی است. موجب تعلق شغلی افراد در سازمان می‌شود؛ فرد باید اخلاق کاری بالایی^۴ داشته باشد. در محیط کار باید نظم حاکم باشد و ظرفیت کار جدی وجود داشته باشد. اگر ایده‌ای بخواهد متعالی باشد، باید ظرفیت و استعداد پیاده‌سازی آن هم باشد. تعالی در سازمان، متضمن ساختاری است که میان افراد، و ایده‌ها و خدماتی که ارایه می‌دهند، تنش خلاقیتی به وجود می‌آورد.
۷. هفتمین جنبه‌ی تعالی، استمرار آن است. بهترین تصویر را برای این مفهوم، ارسطو، ارایه کرد که گفت: تعالی یک فعل نیست، یک عادت است.^۵ برای آن که یک فرد، یک ایده با یک سازمان، متعالی باشد، یک حرکت مستمر و مداوم پیش‌رو به سوی آینده، لازم است. بنابراین، به نظر می‌رسد تعالی، عالی‌ترین هدفی است که باید به آن دست یافت و چه بسا تنها هدف ارزشمندی است که باید برای رسیدن به آن کار کنیم (کرنسون، ۲۰۰۷).

-
1. Expectancy
 2. Competency
 3. Synchronicity
 4. Strong work ethics
 5. Excellence is not an act, it is a habit.
 6. Edward Krenson and Edones Lour.

۷-۲. روش‌های توسعه و پرورش تعالی منابع انسانی

همه‌ی مکتب‌های الهی و بشری هرکدام با نگاه و تعریف خاص خود انسان‌ها را به تعالی دعوت کرده‌اند. به‌عنوان نمونه در یکی از مکتب‌های هندی روش‌های ذیل برای تعالی پیشنهاد شده است (اسریمات سوای، ۲۰۰۶).

۱-۷-۲. تعالی انسان از طریق تعلیم و تربیت

تمامی نظام‌های تعلیم و تربیت، و تمامی ادیان، دارای یک ایده‌آل نهایی هستند و آن نهادینه کردن میل به تعالی در انسان‌هاست. تعالی انسان را در دو حوزه می‌توان دنبال کرد، نخست، کاری که انجام می‌دهیم و دیگر در روابط انسانی. کار متعالی موجب می‌شود تا فرهنگی غنی و قوی در جامعه شکل گیرد.

۲-۷-۲. تعالی انسان از طریق تمرکز ذهنی

ما تصور می‌کنیم که کارهای بزرگ به تمرکز نیاز دارد؛ در حالی که کارهای کوچک هم به همین نسبت محتاج تمرکز است. اگر انسان در اقدامات ساده و پیش پا افتاده، متعالی عمل کند و سرآمدی و بهتر بودن را نشان دهد، در اقدامات بزرگ هم می‌تواند سرآمد شود. ما از کوچک‌ها غفلت می‌کنیم و هیچ‌گاه به کارهای بزرگ و امور مهم هم دست پیدا نمی‌کنیم؛ زیرا بر این باوریم که در امور ساده می‌توان بی‌بندوبار عمل کرد و فقط در کارهای مهم و بزرگ است که باید با دقت عمل کنیم. نتیجه این خواهد شد که نه در این و نه در آن، عالی نخواهیم شد. بنابراین، به تعبیر بزرگان، اگر کار کوچکی را هم انجام می‌دهید، آن را با همه‌ی وجود و با تمرکز کامل انجام دهید، اگر کل وجود مؤثر و حواس و ذهن انسان در آن کار حاضر باشد، آن کار عالی خواهد شد. سنگ‌بنای همه‌ی عظمت‌ها و مقام‌های باشکوه این است: «درست است که هیچ‌کس مرا نمی‌بیند؛ اما من هم‌چنان کار خود را خوب انجام می‌دهم» این معیار عظمت انسان است. انسان متعالی چنین است.

1. Srimat suay

۲-۷-۳. تعالی انسان از طریق احساس مسؤولیت

آدم‌های باری به هر جهت نمی‌توانند تعالی آفرین باشند، پایه و اساس تعالی در کار، یادگیری مسؤولیت است. در کار هوشمندی لازم است و این هوشمندی باید به سامانه‌ی مادی شما منتقل شود.

۲-۷-۴. تعالی انسان از طریق افتخار و غرور شخصی و ثبات شخصیتی

هنگامی مفهوم تعالی انسانی در روح ما دمیده می‌شود که انگیزه‌ی عالی افراد بر افتخار و غرور شخصی و ثبات و یک‌پارچگی شخصیتی استوار و مبتنی باشد. در این صورت فرد بدون نظارت دیگران، عالی کار می‌کند. شعارش این می‌شود که «من در آن‌چه که انجام می‌دهم باید بهترین باشم» در این صورت، نخست، این کار عالی خواهد شد و در صورتی که انگیزه انسانی به آن افزوده شود، کار عالی، عالی‌تر خواهد شد پس از آن نوبت پرواز و عروج به‌سوی برترین تعالی فرا می‌رسد. بنابراین با این سه؛ یعنی، هوش، استعداد و روح احترام به خود، تعالی کار به‌دست می‌آید؛ اما هنوز برای رسیدن به برترین تعالی راه درازی در پیش است.

۲-۷-۵. تعالی انسان از طریق عشق و توجه به مسایل انسانی

عشق، چون عشق مادر به فرزند، کار را متعالی می‌سازد. در کارهای اجتماعی و در جای‌جای جامعه، ارزش‌های بسیاری وجود دارد که می‌توانند در یک جریان مشترک به هم کمک کنند. هنگامی که سه ارزش هوش و به‌کارگیری آن در کار، ارزش احترام به خویشتن و حس افتخار و غرور شخصی و ارزش‌های انسانی و عشق، با هم پیوند بخورند، ما به تعالی در کار دست می‌یابیم و تعالی در کار، منتج به تعالی در زندگی می‌شود. بنابراین، اگر نگرش فلسفی و جهان‌بینی ما نسبت به کار تغییر پیدا کند، ما با غنی‌سازی کار خویش، به جامعه‌ای غنی دست می‌یابیم و در حین کار، رشد معنوی پیدا می‌کنیم؛ حقیقت پنهان و نهفته‌ی درون خویش را در می‌یابیم. این غنا و رشد درونی و احساس توانمندی و احترام به خویشتن موجب می‌شود تا به دیگران هم احترام بگذاریم و آنان را نیز همین‌گونه باور کنیم. بنابه یک فلسفه‌ی عمیق، این نوع توانمندشدن و کسب قدرت به شیوه‌ای مناسب، حق طبیعی هر انسانی است، اما برای تعالی، تنها این بال پرواز کافی

نیست، بال دیگر آن، معنویت است، انسان در جست‌وجوی تعالی، باید با رشد معنوی خویش و انسان‌تر شدن، قدرت را انسانی کند و روح معنویت را در کالبد قدرت بدمد. در این صورت است که انسان به تعالی و برترین تعالی در زندگی، در کار و در هر بخشی از فعالیت‌های انسانی دست می‌یابد، در پس این جهان‌بینی، انسان از پوست خود بودن بیرون می‌آید و به دیگران می‌اندیشد و عشق و همدلی را گسترش می‌دهد و به شیوه‌ای انسانی به انسان‌ها در موقعیت‌های آنان پاسخ می‌دهد (اسریمات سوای، ۲۰۰۶).

۲-۸. موانع تعالی منابع انسانی

۲-۸-۱. نوع فلسفه‌ی زندگی

اگر فلسفه‌ی زندگی بیش از آن که به کار تأکید داشته باشد، به تفریح و پرداختن به اوقات فراغت تأکید کند، در این صورت ما با همه‌ی روح و وجود خود کار نخواهیم کرد و تمام تمرکز ذهنی خود را به‌طور کارآمد، در کار دخالت نمی‌دهیم. تا آن‌جا که گاهی به هنگام کار، فکر ما جای دیگری است و حضور ندارد. چنین شده است که تعالی کار هنوز برای بسیاری از افراد معنا ندارد. و در این صورت، هم به لحاظ جسمانی، هم ذهنی و هم در ارتباط با دیگر انسان‌ها، ضعیف می‌شویم. نوع فلسفه‌ی زندگی این چنین موجب ایجاد نگرش تنبل‌مآبانه‌ی خاصی می‌شود.

۲-۸-۲. جدا دانستن زندگی شخصی از زندگی کاری

مشاهده‌ی افراد به هنگام کار اداری، نشان می‌دهد که آنان فقط نیمی از وجود خود را برای کار آماده کرده‌اند، دل به کار نمی‌دهند، دست و دل‌شان به کار نمی‌رود، گویی هیچ انرژی ندارند که آن را خرج کار کنند؛ اما اگر انگیزه‌ی شخصی باشد، می‌بینید که افراد پرا انرژی‌ترند. هنگامی که می‌خواهیم پول درآوریم، یا کاری را برای خود انجام دهیم، با همه‌ی وجود آن کار را انجام می‌دهیم؛ اما به هنگام کار برای دیگران یا کارهای عمومی، گویی همه‌ی انرژی‌های مان ته کشیده است. چنین است که افراد دل به کار نمی‌دهند. با همه‌ی وجود کار نمی‌کنند، و هیچ وقت هم کار درست و اثربخش را تحویل نمی‌دهند، نتیجه این می‌شود که دیگر هیچ‌کس نمی‌تواند به دیگری اعتماد کند.

۲-۸-۳. غفلت از کارهای کوچک و جزئی

ما بر این باوریم که در امور ساده می‌توان بی‌بندوبار عمل کرد و این باعث می‌شود که از تعالی در کارهای کوچک و جزئی غفلت می‌کنیم در حالی که تعالی انسان ذره‌ذره شکل می‌گیرد تا انسان را متعالی نماید.

۲-۸-۴. حضور دیگران را مهم دانستن

هنگامی که انسان در منظر دیگران است و کار خوبی را انجام می‌دهد، آنان می‌بینند و تحسین می‌کنند، زمان خوبی برای ارزش‌یابی تعالی واقعی نیست؛ بلکه برعکس تلقی بدی هم ایجاد می‌کند که گویا فرد، فریب کار و نیازمند کنترل از بیرون است.

۲-۸-۵. باری به هر جهت بودن

آدم‌های باری به هر جهت و مسؤولیت‌ناپذیر نمی‌توانند تعالی آفرین باشند. آنان با این نگرش به زندگی نه تنها تعالی پیدا نمی‌کنند، که در زندگی روزمره خود هم با مشکل روبه‌رویند.

۲-۸-۶. استخدام مادام‌العمر

تعالی در کار سه بُعد دارد، هنگامی که برای کاری استخدام می‌شویم، عنوان کارمند یا کارگر می‌گیریم و حس می‌کنیم که تا پایان عمر در استخدام سازمان هستیم، با این نگرش، دیگر یک گام هم نمی‌توان به جلو رفت و پیش‌روی کرد؛ چه رسد به آن که بتوان آن کار را عالی ساخت. برای فردی که استخدام مادام‌العمر است، دیگر خوداحترامی، تمرکز شدید، انرژی به کار و ملاحظات انسانی، مطرح نیست.

۲-۹. گونه‌شناسی تعالی

با رجوع دوباره به ادبیات یونان باستان و آثار بزرگان و فیلسوفان آن عصر؛ یعنی، ارسطو و افلاطون به معانی عمیق‌تری از تعالی دست می‌توان یافت (وودراف، پاول^۱؛ ۲۰۰۵). در جدول‌های

1. Woodruff Paul

(۳-۱؛ ۳-۲؛ ۳-۳ و ۳-۴) با عنوان‌های مفاهیم و ابعاد، الزامات و آثار و ویژگی‌ها سعی شده است همه‌ی ابعاد مفهوم تعالی و شاخص‌های هر یک به تفکیک ارایه شود. به این ترتیب امکان فهم جامع‌تری از این مفهوم و بهره‌برداری عملی در تحقیقات کاربردی حوزه‌ی مدیریت و رهبری از سویی و نقد این ادبیات از سوی دیگر هموارتر می‌شود:

جدول ۳-۱. گونه‌شناسی تعالی - مفاهیم و ابعاد

مفهوم لغوی تعالی	تعریف اصطلاحی تعالی	ابعاد تعالی	روش‌های تعالی
• وضعیت، کیفیت یا شرایط متعالی شدن • توانایی پیشینه و آسادی برای انجام عمل بهینه • برتری • اثربخشی یک انسان و مهارت در خوبی • زمینه‌ای که فرد در آن عالی است. • مسایل اخلاقی • کیفیتی به‌طور استثنایی در نوع خود خوب • مسایل کلیدی تعلیم و تربیت • خوبی • جنبه‌ی خاص یا کیفیتی که بیانگر برتر بودن است. • تقوی • زیبایی • شجاعت • تمایز • نخبگی • کمال • فضیلت • بنای هستی‌شناسی افلاطون • کیفیت بهترین بودن • بهترین در نوع خود • در نهایت خوبی • فوق‌العاده عالی • تمایز در نبرد یا پاکی	• برجستگی، تقوی و برتری در توفیق و دستیابی به هدف، بدون استاندارد زمینی و مادی برای مقایسه در آن دخالت نداشته باشد. (ماسچوف، ۲۰۰۰) • تعالی، وضعیت یا کیفیتی خاص در کسب و کار و سازمان به ارزش مهمی یا هدفی • تعالی موقعیتی عوامل به شکل مطلق و خوب استثنایی • موقعیتی پویا بر مبنای یک چارچوب ذهنی متشکل از ارزش‌های اساسی، زمینه‌ها و دانش برای اندیشه، احساس و رفتار • ترکیبی از فضیلت‌های اخلاقی، زیبایی، خیر و احسان (سقراط)	• انسان متعالی، • شهروند متعالی • دانشمند متعالی	• تقوی و پاکدامنی عقلانی و اخلاقی • تقوی و پاکی‌های عقلانی، زاینده‌ی تعلیم و آموزش و قابل پرورش است و مستلزم زمان و تجربه می‌باشد. • آموزش تقوی و پاکی‌های اخلاقی، به‌عنوان یک موضوع عادت‌ی است. • هر روز با انجام یک مسئولیت، در جاده‌ی تعالی به سیر خود ادامه دادن. • نهادینه کردن میل به تعالی در انسان‌ها از طریق کار متعالی و روابط انسانی متعالی • تمرکز ذهنی برای انجام هر کار و مسئولیت کوچک و بزرگ به بهترین وجه ممکن. • یادگیری مسئولیت و احساس مسئولیت • رسیدن روح تعالی از طریق ایجاد انگیزه‌ی عالی مبتنی بر افتخار و صداقت بودن، بهترین بودن • عشق و توجه به مسایل انسانی و تغییر نگرش به کار • رشد معنوی و گسترش عشق و همدلی (اسریما سوای، ۲۰۰۶)

جدول ۳-۲. گونه‌شناسی تعالی - انواع

انواع تعالی	مثال واژه‌های تعالی	تعالی چه نیست	موانع تعالی	جنبه‌های ابعاد محتوایی تعالی (فرد، ایده و سازمان) متعالی
• تعالی در تعلیم و تربیت • تعالی قهرمانی و قهرمانان • تعالی آداب و رسوم • تعالی در کار • تعالی فردی • تعالی مدنی • تعالی نخبگان • تعالی الهی • تعالی به مثابه زیبایی روح • تعالی به مثابه سلامت روح • تعالی دموکراتیک • تعالی اخلاقی	• تعالی در تعلیم و تربیت، یادگیری هر فرد در سطح خود	• سواد و نمره‌ی عالی • شناخت تمامی مهارت‌ها • صرف حضور در محیط آموزش • داشتن شغل با درآمد فردی	• حيله، تقلب، فريب • بحران اعتماد • انتظارات پايين • استفاده از منابع ناشايست و نامناسب • تعلق كاري نداشته‌ن، وظيفه ناشناسی • ركود افراد، ایده‌ها و سازمان (كرنسون، ۲۰۰۷) • تأكيد فلسفه‌ی زندگی بر تفریح و پرداختن به اوقات فراغت • جدا دانستن زندگی شخصی از زندگی کاری • غفلت از «انجام کارهای كوچك به نحو عالی» • حضور ديگران را مهم دانستن • باري به هر جهت بودن • استخدام مادام العمر	• موثق، معتبر، صحيح، اصولی و قابل اعتماد بودن • اعتماد • قابل باور بودن • معروف بودن و نيك نامی • انتظار و اميدواری بالا ایجاد كردن • شايستگی های مادی، دانش، مهارت و ديگراستعدادها را داشتن • متقارن بودن و انطباق، انجام امور در مكان صحيح، در زمان مناسب و توسط فرد مناسب با مهارت صحيح • كاركردی بودن • استمرار داشتن يك حرکت مداوم • پیش‌رو به سوی آینده (كرنسون، ۲۰۰۷)

جدول ۳-۳. گونه‌شناسی تعالی - الزامات و آثار

الزامات تعالی	زمینه‌های تعالی	ماهیت تعالی	آثار تعالی	جایگاه و موضع تعالی
• ابتدای بر تقوی و پاکدامنی عقلانی و اخلاقی • درست‌کاری • با ترکیب هم‌آهنگ دانش، قدرت و خواست و میل • جدایی ناپذیری از خوبی و خیر • کسب آگاهانه و نه غریزی و طبیعی • عادت‌ها و اندیشه‌های خیر و نیکی • وجود سه ضلع تعالی و خیر، یعنی انسان متعالی، شهروند متعالی و دانشمند متعالی • مذهبی بودن • دیگران را در سیر و سفر تعالی شریک ساختن • یادگیری	• وجود اصل و ریشه‌ای اصیل، بهترین، شجاع‌ترین و نیرومندترین بودن. • عادت(یعنی تثبیت یک کار یا فعالیت با تکرار فراوان) به خیر و نیکی، کلید ورود به دانش نظام عالم وجود و حقیقت • انصاف داشتن و دیگر آحاد جامعه را در معنای تعالی سهیم کردن	• دارای خواص منحصر به فرد و فعالیت‌های خاص • ارجاع به کیفیت‌های ذاتی و اصلی یک موضوع یا فعالیت • تعالی را نه یک سرنوشت، که یک سیر و سفر دانستن • رساندن افراد به سطح توانایی خودشان	• نیکی در حد اعلای و خوب بودن متعالی • عین کامیابی است. • تضمین کامیابی فرد و جامعه • همانند خورشید، خیر و خوبی می‌بخشد. • الهام‌بخش بهبود در اصلاح خویش و جست‌وجوی آرام و انتقال دانش از طریق گفت‌وگو و تجربه	• موضع عدالت • انسان اساس تعالی • فرد • سازمان • اجتماع • فرد و اجتماع • انسان، منشأ تعالی • سازمان • اراده‌ی الهی بر پیش‌روی و تعالی • انسان

جدول ۳-۴. گونه‌شناسی تعالی - ویژگی‌ها

ویژگی‌های انسان متعالی	ویژگی‌های شهروند متعالی	ویژگی‌های دانشمند متعالی	ویژگی‌های محیط کاری تعالی	ویژگی‌های نفس تعالی
• دارای ادراک و برداشت دقیقی از نقش خویش در نظام هستی • دارای ادراک دقیقی از رابطه‌ی خویش با نیکی و خیر و خوبی الهی • دارای ادراک دقیقی از رابطه با خویش • احترام به محیط • همیشه عاشق دانش • عاشق آن چه اطراف او را احاطه کرده است. • انسانی پاک • انسان عقیف • دارای ایده‌آل‌ها و آرمان‌های بلند • دارای زندگی موزون و متوازن • با خلوص و طبیعی • دارای اخلاق کاری بالا	• انسانی متعالی • متوجه به جامعه‌ی خود و مراتب آن • مشارکت فعال در امور اجتماعی • ایجاد کننده‌ی شغل و کار برای مردم • خلاق • آگاه از چگونگی اداره‌ی او و حاکمیت بر او • آگاه از چه‌گونه اداره کردن جامعه	• در جست‌وجوی دانش در زمینه‌های حقیقی • استفاده از حواس و توان • آینده‌پردازی‌های خود • تبیین دانش خویش به کمک مبانی فلسفی • انتقال دهنده‌ی دانش به‌همراه تجربه‌ی خود به نسل‌های جدیدتر	• حاکمیت نظم • ظرفیت کار جدی • وجود ظرفیت و استعداد • پیاده‌سازی ایده‌های متعالی • وجود ساختار ایجادگر تنش • خلاق میان افراد، ایده‌ها و خدمات	• خیر و خوبی به هدایت‌گری پویا برای تحول پایدار مطابق با نیازهای در حال تغییر انسان‌ها، در دوره‌های متفاوت • وجود متوازن خوبی • خوبی، مستلزم مشارکت افراد • خوبی، همواره حاضر و قابل درک است • منبع الهام‌بخشی و امید • خلوص، طبیعی بودن • حقیقت و زیبایی را به‌طور یک‌پارچه همراه داشتن. • مبتنی بر منابع خیر و نیکی

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

همان‌طور که در زمینه‌های گوناگون و در مدیریت و رهبری به طور خاص، ادبیات نشانگر آن است که بنا به فطرت کمال‌جویی که خداوند تعالی در نهاد همه‌ی انسان‌ها قرار داده است، همه و همه هر یک به نوعی و از منظر خاص خود در جست‌وجوی این گمشده‌ی طلایی خود هستند و چه دشوار است بالا رفتن از قله‌ی تعالی که به نظر دست‌نیافتنی می‌آید. بنابراین تعریف آن هم به

همین نسبت دشوارتر، اگر نگوییم ناممکن. با این همه، چاره‌ای جز ارایه‌ی یک تعریف مستفاد نیست، هر چند که آن هم خود باید باز تعریف شود.

به‌سوی تعریف جامع تعالی منابع انسانی

با بررسی ادبیات تعالی در دانش بشری، تلاش شد تا تعریف به نسبت جامعی از تعالی (مدیران) به شرح ذیل استنباط شود:

«تعالی (مدیران)، ترکیبی از فضیلت‌های اخلاقی (مانند عدالت، عفت، شجاعت و سخاوت) و در یک کلام همه‌ی خوبی‌ها و رعایت حد اعتدال در همه‌ی مراتب زندگی (یک مدیر) است که بر یک چارچوب ذهنی متشکل از دانش و ارزش (جهان‌بینی: هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی، روش‌شناسی و زیبایی‌شناسی) در یک موقعیت پویا شکل می‌گیرد و موجب می‌شود تا افراد براساس آن‌ها (یعنی آن‌چه که نیت آنان را شکل می‌دهد)، اندیشه، احساس و اقدام کنند و در کسب و کار به ارزش مهمی دست یابند، به گونه‌ای که موجب تفوق و برتری مادی و معنوی آنان در دست‌یابی به اهداف در زمانی شود که هیچ استاندارد زمینی و مادی برای مقایسه در آن دخالت نداشته باشد. بنابراین، به تعبیر دیگر می‌توان گفت که «تعالی» موقعیتی است که عوامل موجود در آن به‌شکل خوب، استثنایی و مطلق وجود دارد.»

به این ترتیب، تعالی، یک مفهوم پیچیده‌ای است که از عناصر کلی ذیل تشکیل می‌شود:

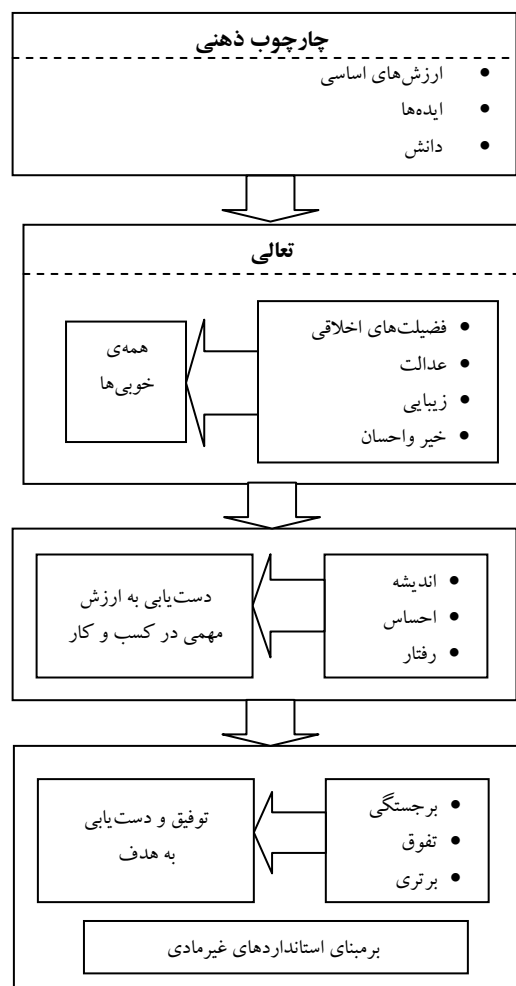
۱. فضیلت‌های اخلاقی مانند عدالت، عفت، شجاعت و سخاوت و... تجلی بارز تعالی در یک انسان برجسته به‌طور عام و در رهبران و مدیران و فرماندهان به‌طور خاص است.
۲. این مفهوم - یعنی تعالی - تجلی همه‌ی خوبی‌ها و به تعبیر فلاسفه‌ی اخلاق «حد اعتدال» است.

۳. این فضیلت‌ها و خوبی‌های تمام‌عیار که «تعالی» نام گرفته است، باید در همه‌ی مراتب زندگی یک انسان به نام مدیر و رهبر فراگیر باشد تا بتوان او را یک مدیر متعالی نام نهاد.
۴. مدیران و فرماندهانی می‌توانند به موقعیت تعالی صعود کنند که چارچوب ذهنی آنان چارچوبی متعالی باشد.

۵. چارچوب ذهنی مدیران را دانش و ارزش حاکم بر آن‌ها - یعنی جهان‌بینی آنان - شکل می‌دهد. به تعبیر دیگر، مدیرانی می‌توانند متعالی باشند که خود دارای جهان‌بینی متعالی باشند.

۶. جهان‌بینی متعالی مبتنی بر مؤلفه‌های هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی، زیبایی‌شناسی و روش‌شناسی متعالی استوار است.
۷. شرط اساسی شکل‌گیری یک جهان‌بینی متعالی در یک مدیر و رهبر، وجود یک الگوی متعالی است.
۸. با شکل‌گیری یک جهان‌بینی متعالی در انسان متعالی (تعالی‌طلب، در حال تعالی)، شاکله‌ای متعالی در وجود وی شکل می‌گیرد و وی صاحب نیت و عزم و اراده‌ی متعالی می‌شود.
۹. مدیران متعالی - یا دارای شاکله متعالی، اندیشه‌های متعالی، احساسات متعالی و اقدامات متعالی از خود متجلی می‌کنند و ظهور و بروز می‌دهند.
۱۰. اندیشه‌ها، احساسات و اقدامات متعالی انسان متعالی را به‌دست‌آوردهای متعالی می‌رساند. این دست‌آوردها در قالب ارزش‌های مهم و متعالی در کسب و کار تجلی پیدا می‌کند.
۱۱. در سلسله‌مراتب تعالی، تعالی الهی در قله‌ی متعالی‌ترین تعالی‌ها قرار دارد و به همین ترتیب سایر مراتب تعالی خود را نشان می‌دهد.
۱۲. انسان‌های متعالی که به بالاترین سطح تعالی دست‌یافته‌اند، در پرتو تعالی الهی به تفوق و برتری فوق‌العاده‌ای در دست‌یابی به اهداف نایل می‌شوند.
۱۳. برتری و تعالی الهی حاصل که در اندیشه، احساس و رفتار چنین مدیرانی با رسیدن به اهداف الهی به‌دست می‌آید، آن‌قدر والا و متعالی است که نمی‌توان آن را با استانداردهای زمینی و مادی مورد ارزش‌یابی و مقایسه قرار داد. به تعبیر دیگر، احساس متعالی الهی در رسیدن به اهداف الهی، موقعیتی منحصر به فرد است که تنها آنان که این موقعیت را تجربه کرده‌اند می‌توانند آن را درک کنند؛ ولی نمی‌توانند آن را برای دیگران وصف نمایند.
۱۴. خلاصه این که تعالی، موقعیتی پویا است که عوامل موجود در آن به‌شکل خوب، استثنایی و مطلق وجود دارد و در یک انسان تعالی‌طلب که خود را در فرایند رشد و تعالی قرار داده است، به تدریج شکل می‌گیرد، نهادینه می‌شود و ظهور می‌کند و در این صورت، آن انسان، به‌عنوان اسوه و الگوی تعالی انسان‌های دیگر تجلی پیدا می‌کند. چنین انسان‌هایی در جامعه، به‌عنوان رهبران متعالی، در سازمان‌های عمومی به‌عنوان مدیران متعالی و در سازمان‌های نظامی به‌عنوان «فرماندهان متعالی» ظهور می‌کنند و پرچم تحول دیگر انسان‌ها را به‌سوی آن موقعیت استثنایی و مطلق که «تعالی» نام دارد به پیش می‌رانند و افراد و پیروان را برای تعالی فرا می‌خوانند.

البته تعالی، یک موقعیت پویاست نه یک نقطه. بنابراین، هر وضعیت مطلوب با مشخصه‌های یادشده در تعریف، نسبت به نقطه‌ی موجود، موقعیت تعالی است. به این ترتیب فرد خود را همواره در حال تعالی می‌یابد و می‌بیند؛ یعنی، همیشه در حال رفتن و شدن است و توقف‌ناپذیر. در مجموع، به نظر می‌رسد که بتوان خلاصه‌ای از تعریف تعالی را از منظر برخی از دانشمندان و فیلسوفان در مغرب‌زمین در نمودار (۳) ارایه کرد:



نمودار ۳. تعریف تعالی از منظر برخی دانشمندان و فیلسوفان غربی

تبیین جدید این مفهوم، روشن کرد که اکنون اندیشمندان مغرب زمین برای رفع عطش شدید تعالی‌جویی انسان امروز غربی، به ادبیات باستانی خویش روی‌آوری جدیدی پیدا کرده‌اند و می‌خواهند در برابر سکولاریزم از یک سو و دین الهی از سوی دیگر، آن‌را به‌عنوان راه سوم برای تعالی منابع انسانی در عصر حاضر ارایه دهند و راه آینده‌ی بشر را به‌سوی تعالی این‌گونه ترسیم نمایند. بر دانشمندان ماست تا با فهم و نقد درست و کامل این مفهوم، مسایل بشر امروز را در باره‌ی ماهیت و چیستی تعالی در حوزه مدیریت و رهبری و زیرساخت‌های آن به ادبیات قرآن کریم و معارف پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان هدایت علیهم‌السلام عرضه کنند و راه‌حل‌ها و پاسخ‌های الهی را دریابند و به تشنگان حق و حقیقت ارایه کنند. ان شاء الله تعالی.

فهرست منابع

- باطنی، محمدرضا (۱۳۸۴). *فرهنگ لغات*، انگلیسی به فارسی، تهران: نشر معاصر.
- گریزری، پال (۲۰۰۲). *نقدی بر دانش مدیریت (پژوهش مدیریتی و دانش مدیریت)*، ترجمه‌ی محمد صائمی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹.
- مطهری، مرتضی (بی‌تا). *انسان کامل*، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم.
- Hermel P. and Ramis-pujol, J. (2003). An Evolution of Excellence: some main trends, **The TQM Magazine**, Vol, 15. No. 4. pp. 230-243.
- <http://www.merriam webster.com/dictionary/excellent>
- <http://answers.yahoo.com/questions/what is excellence/?index?qid=2008>
- <http://en.wikipedia.org/wiki/Excellence>
- [http://samaratbha\(2006\).googlepage.com/Human Excellence.pdf](http://samaratbha(2006).googlepage.com/Human Excellence.pdf). speech of srimat swami Ran-ganathanolaji Mahanj; Hyderabad.
- Krenson, Edward (2008); Defining Excellence in: <http://www.advance.ed.org/about us/news/feature article/defining Excellence>, Krenson article. pdf. Pp. 1-20
- Koppman, Patricia (2008). Excellence: what is it? Whose Job is it? IRA, ARF cosponsord session, yearbook of the American Reading forum.
- Lucos, Anninous (2008). Defining Excellence in Higher Education, **The Journal of Higer Education**, Vol.46,No.6, pp.653-663
- www.pata.pl/pdf/haslaen/a/aretology.pdf From:PEF-@ cogyright by polskie Towarzystwo Tomasza Z Akwinu (2009).
- Ptta.pl/pef/haslaen/a/arête.pdf(2009).
- Panpuch Zbigniew (2009). Arete; PEF.; Polskie Towarzystwo Tomasza Z Akwinu.
- Plato , Politia,6th book, 505a-511e.
- Santas, G. (1997). Socrates, Ellinica Grammata
- Simaioforvosh T. (2002). The HllenhcAlphabet unevield, Ramafa.
- Woodruff Paul (2005). Arete/Agathon/Kakon. In: Donald M. Borchert(2005). Encyclopedia of Philosophy; 2nd Edition; U.S.A.